

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: تفسیر سوره بقره
 تاریخ: ۲۶ فروردین ۱۳۹۷
 موضوع جزئی: آیه بیست و سوم_ نظر مختار در مرجع ضمیر «مثله»
 مصادف با: ۲۸ رجب ۱۴۳۹
 جلسه: ۴۸
 _ یک اشکال و پاسخ آن

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

نظر مختار در مرجع ضمیر «مثله»

در مورد ضمیر کلمه «مثله» عرض کردیم که احتمالاتی وجود دارد و در بین این احتمالات این احتمال که ما به گونه‌ای این کلمه را معنا کنیم که مرجع این ضمیر «ما نزلنا» باشد با این قید که یک عبد امی درس نخوانده آن را آورده است، (مجموع قید و مقید با هم)، قابل قبول است، این احتمال هم می‌تواند منطبق بر آن مطلبی باشد که مرحوم علامه از روایت نقل کرده است و هم می‌تواند جداگانه به عنوان احتمال چهارم محسوب شود، چون مرحوم علامه فرمود مرجع این ضمیر طبق برخی از روایات می‌تواند هر دو باشد، یعنی هم ما نزلنا و هم عبد، اینکه مرجع ضمیر هر دو باهم باشد، این قابل پذیرش نیست، اینکه هم عبد و هم ما نزلنا با توجه به تفاوتی هم که از حیث معنایی ایجاد می‌کنند مورد نظر باشد خالی از اشکال نیست. ولی اگر بگوییم ما نزلنا به قید اینکه عبد ما هم امی درس نخوانده است، آنوقت این مستلزم داشتن دو مرجع برای یک ضمیر نیست و بعلاوه جنبه اعجاز قرآن را تحکیم می‌بخشد، یعنی قرآن با این عظمت و با اشتمال بر این همه معارف و حقایق و اخلاقیات و احکام آن هم از ناحیه کسی که درس نخوانده است قهراً جنبه اعجاز قرآن را قوی‌تر می‌کند.

این احتمالی بود که ما آن را پذیرفتیم و اختیار کردیم و همانطور که عرض کردم اگر مقصود علامه این باشد ما قبول داریم اما اگر مقصود علامه این باشد که این دو در عرض هم و جداگانه به عنوان مرجع ضمیر باشند به نحوی که ضمیر مثله در این جمله و این آیه دارای دو مرجع باشد، این قابل قبول نیست، به همین مناسبت دو روایت از امام عسکری و امام سجاد (ع) نقل می‌کنیم.

دو روایت درباره مرجع ضمیر «مثله»

روایت اول: «عن العسکری (ع) فَاتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ» امام عسکری (ع) در مورد این آیه فرمود: «من مثل محمد (ص)، مثل رجل منکم لا یقرأ و لا یکتب، و لم یدرس کتابا، و لا اختلف الی عالم، و لا تعلم من أحد، و أنتم تعرفونه فی أسفاره و حضره، بقی کذلک أربعین سنة، ثم أوتی جوامع العلم حتی علم الأولین و الآخرین فإن کنتم فی ریب من هذه الآیات، فأتوا من مثل هذا الرجل بمثل هذا الکلام، لیتبین أنه کاذب، لأن کل ما کان من عند غیر الله فسیوجد له نظیر فی

سائر خلق الله. یعنی من مثل هذا القرآن من التوراة و الانجیل و الزبور و صحف ابراهیم و الکتب الاربعه عشر فانکم لا تجدون فی سائر کتب الله سورة کسورة من هذا القرآن»^۱.

این روایت در بدو امر ظهور در رجوع ضمیر به عبد دارد، چون دقیقاً به دنبال این آیه می‌فرماید «من مثل محمد ص من مثل رجل...» اما وقتی در مقام شرح و توضیح آیه بر می‌آید می‌فرماید: «فإن كنتم فی ریب من هذه الآيات، فأتوا من مثل هذا الرجل بمثل هذا الكلام» این مؤید همان احتمالی است که ما اختیار کردیم، اصلاً جنبه اعجاز قرآن این است که چنین سخنی از چنین کسی باشد، و إلا صرف اینکه یک کسی که درس خوانده، چنین کلماتی را بگوید، معنایش این است که این سخن از ناحیه کسانی که درس خوانده هستند، ممکن است اما می‌فرماید: «من مثل هذا الرجل بمثل هذا الكلام»، یعنی خود این کلام «فیه اعجاز» کلامی که کلام خداست، آن هم از ناحیه چنین کسی، این جنبه اعجاز را تقویت می‌کند.

بنابر این هر چند به حسب ظاهر مرجع ضمیر عبد است ولی عرض کردیم با دقت در مضمون آیه و آنچه که قبل از این گفته معلوم می‌شود که همین معنا مراد است، «من مثل هذا الرجل بمثل هذا الكلام»، یعنی از مثل عبد بمثل ما نزلنا، پس می‌شود مجموع این دو، به گونه‌ای که قید و مقید هستند.

روایت دوم: نظیر همین روایت از امام سجاد(ع) وارد شده است. «قال علی بن الحسین (ع) فأتوا بسورةٍ من مثله مثل محمد امی لم یختلف قط الی اصحاب کتب و علم و لا تتلمذ لاحد و لا تعلم منه ... فان کان کاذباً فاللغة لغتکم و جنسه جنسکم و طبعه طبعکم»^۲

امام سجاد (ع) هم ضمیر «مثله» را کأن به عبد برگردانده و آن را تطبیق کرده است بر شخص پیامبر گرامی اسلام(ص)، این مثل روایت قبلی نیست ظاهر این همان احتمال اول است و قهراً همان اشکالاتی که ما قبلاً نسبت به آن احتمال بیان کردیم در اینجا خودش را دوباره نشان می‌دهد، لذا این روایت را باید مثل روایت قبلی معنا کنیم که منظور این است: «فأتوا بسورةٍ من مثله»، یعنی «فأتوا بسورة من مثل هذا الرجل بمثل هذا الكلام»، یک کلام و یک سخنی که مثل این کلام باشد بیاورید آن هم از ناحیه چنین شخصی که جنبه اعجاز در هر دو جهت خودنمایی کند.

به هر حال با توجه به آنچه گفته شد معنای کلی آیه معلوم می‌شود که «وإن كنتم فی ریبٍ ممّا نزلنا علی عبدنا...» یعنی اگر شک دارید بگونه‌ای که کأن به پیامبر افتراء می‌زنید که این خود را به نام خداوند ارائه می‌دهد، پس شما هم مثل این سخن را از مثل این مرد برای ما بیاورید.

عرض کردیم این آیه در مقام اثبات نبوت و عجز مخالفان و معاندان قرآن و در واقع به عنوان یکی از آیات تحدی شمرده می‌شود، یعنی کأن با این بیان مبارز می‌طلبید که اگر شما هم می‌توانید چنین کاری را انجام دهید.

۱. بحار، ج ۹، ص ۱۷۵.

۲. بحار، ج ۸۹، ص ۳۰.

اشکال درباره معنای «شهادتکم»

در ادامه عرض کردیم دعوت می‌کند به گرفتن شاهد و شاهد به معنای معین و ناصر و یاور است، یعنی کأن خداوند می‌فرماید اگر راست می‌گویید شما هم مبادرت به انجام این کار کنید و یک سخنی با این حد از اعجاز از ناحیه چنین کسی بیاورید و بخواهید از شهادیتان (البته به غیر از خداوند تبارک و تعالی)، ما در اینجا شهید را به معنای معین و ناصر و یاور گرفتیم، اما یک اشکالی نسبت به این بخش از آیه مطرح شده است که این اشکال را باید برای متمیم بحث متعرض شویم

اصل اشکال این است که ظاهر آیه با این احتمال و این معنا تناسب ندارد، شاهد، یعنی گواه، معنای لغوی شاهد هم همین می‌باشد، و اینجا که خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ»، یعنی گواهان خود را بخوانید (به غیر از خداوند)، خواندن گواهان با این معنا مناسبتر است، چون گواه وقتی گرفته می‌شود که کاری انجام شده باشد، اما معین و ناصر وقتی استعمال می‌شوند که هنوز کاری صورت نگرفته است، اعانه و نصرت برای این است که در انجام آن کار کمک و یاری برسانند، و اینجا دعوت خداوند به اینکه بیایید و شهداء خود را بخوانید، چون بعد از انجام کار است لذا نمی‌تواند به معنای معین و ناصر و مددکار باشد، چون به حسب ظاهر آیه این دعوت وقتی است که کار و اصل فعل محقق شده است و سپس می‌گوید بر این کاری که انجام دادید شاهد بگیرید.

ما نظیر این را در مورد بعضی از آیات دیگر هم داریم که خداوند کسانی را دعوت می‌کند برای یاری کردن و کار کردن ولی معمولاً این دعوت قبل از انجام آن کار است، مثلاً وقتی می‌فرماید: «قُلِ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظِرُونَ»^۱، اینجا می‌فرماید شریک‌های خود را بخوانید، بعد بیایند که آن مکر را انجام دهند. اینجا دعوت برای نصرت و طلب یاری قبل از انجام این کار است یا مثلاً در آیه «قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفِ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا»^۲، اینجا هم که دعوت می‌کند و می‌گوید: آن کسانی که گمان می‌کنید می‌توانند به شما کمک کنند بخوانید و ببینید که آنها قدرت برداشتن و از بین بردن گرفتاری و مشکل را ندارند، این هم قبل از انجام کار است.

لذا ما اگر به معنای آیه توجه کنیم، اشکال این است که نمی‌توانیم در اینجا شاهد را به معنای یاور و معین بگیریم، چون خداوند دعوت به گرفتن شاهد کرده است و دعوت به گرفتن شاهد اگر قبل از انجام عمل و اتیان «بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ» بود ما می‌توانستیم این شاهد را به معنای ناصر بگیریم، ولی چون بعد از آن واقع شده است، این شاهد به معنای گواه است، مثل همه جا شاهد بر اینکه کاری صورت گرفته است. در اینجا هم می‌گوید «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَيَّ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ»، یک سوره مثل این بیاورید، و آنوقت گواهان خود را بیاورید که بگویید این کار را ما انجام دادیم.

۱. سوره اعراف، آیه ۱۹۵.

۲. سوره اسراء، آیه ۵۶.

بر اساس همین ظاهر برخی از مفسرین مثل فخر رازی شهداء را به معنای گواهان گرفته است، می‌گوید: شهداء به معنای یاوران و ناصران نیست، بلکه به معنای گواهان است، کاری انجام شده است و دعوتی هم انجام شده است اما این برای این است که گواه باشد بر انجام کار.^۱ ولی ریشه این نظر در واقع همان نکته ای است که اشاره کردیم که: مجموع آیه با احتمال اینکه معنای شاهد را عبارت از گواه بدانیم سازگارتر است.

پاسخ اشکال

ما می‌توانیم یک پاسخ نقضی و یک پاسخ حلی به این اشکال بدهیم.:

۱. نقضی

پاسخ نقضی این است که در برخی از آیات مثل این آیه «قُلْ فَاتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۲، می‌فرماید: اگر شما می‌توانید یک سوره مثل قرآن بیاورید و بخوانید و دعوت کنید از هر کسی که می‌توانید، البته به غیر از خدا.

این دعوت از کسانی که استطاعت دارند که کمک کنند شما را، طبق آن بیان شما بعد از «فَاتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ» آمده است، اگر قرار بود این دعوت بعد از «فَاتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ» و بعد از اتیان به سوره‌ای مثل سوره قرآن باشد دیگر معنا نداشت که بعد از آن یاری بطلبید، و بگوید «وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ»، و هر که را می‌خواهید شما بخوانید.

در آیه دیگر می‌فرماید: «قُلْ فَاتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ»^۳، هر که را می‌توانید به غیر از خدا بخوانید، این بعد از اتیان سوره‌ای مثل سوره قرآن مطرح شده است.

اگر قرار بود این بعدیت مانع باشد از دعوت به انجام مثل این کار چرا در قرآن حداقل در این دو مورد این دعوت بعد از انجام عمل و اتیان به ده سوره آمده است.

پس پاسخ اول به این اشکال نقض به برخی از آیات قرآن بود که در مواردی امر به اتیان به سوره یا ده سوره شده و به دنبال آن فرموده است بخوانید هر کسی را که می‌توانید، یعنی: بخوانید هر کسی را که می‌توانید تا او به شما در این امر کمک و مساعدت و یاری برساند.

۲. حلی

پاسخ حلی این است که بر فرض بپذیریم که اگر دعوت بعد از انجام فعل باشد برای شهادت و گواهی است، ولی اگر قبل از انجام فعل باشد به معنای یاری و نصرت است، ولی مسئله این است که در اینجا این دعوت واقعاً بعد از انجام این عمل است؟ این اصلاً بعد از انجام عمل نیست، در اینجا بصورت جمله شرطیه فرموده: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَيَّ عَبْدِنَا فَاتُوا بِسُورَةٍ» می‌گوید اگر شک دارید در آنچه که ما برای بنده خود فرستادیم پس یک سوره مثل آن بیاورید، پس هنوز انجام نشده است، کأن اینگونه می‌گوید: اگر شما می‌توانید این کار را انجام دهید، از همه یاوران خود

^۱ . تفسیر کبیر، ج ۲، ص ۱۳۰.

^۲ . سوره یونس، آیه ۳۸.

^۳ . سوره هود، آیه ۱۳.

کمک بخواهید و این کار را انجام دهید، اصلاً چیزی که دلالت بر انجام عمل و اتیان به فعل شده باشد در اینجا وجود ندارد، از قبل به صورت مشروط می‌گوید که اگر شک دارید، این کار را به کمک هر که می‌خواهید انجام دهید، درست است که مقدم ذکر شده، ولی در اینجا جمله تمام نمی‌شود و دعوت شهداء بعد از اتیان به فعل نیست، دعوت شهداء مکمل امر به اتیان فعل است، در محاورات عرفیه هم اینگونه است که می‌گویند: برو این کار را انجام بده و برای این کار هر کسی را که می‌توانی به کمک بطلب، که میبینی نمی‌توانی انجام بدهی، پس فعلی انجام نشده که ما لزوماً هر دعوتی که بعد از این صورت گرفته را دعوت به معنای گرفتن گواه بدانیم نه به معنای گرفتن یاور و معین، خداوند و می‌فرماید: اگر راست می‌گویید این کار را انجام دهید، آن هم با همه توان و نیرویی که می‌توانید برای این کار جمع آوری کنید. لذا این اشکال هم وارد نیست. اینجا معنای آیه کاملاً روشن است و شهداء هم به معنای ناصر و معین و یاور است.

«والحمد لله رب العالمین»